
زاغچهٔ
پهلو سفید



زاغچهٔ پهلو سفید

ترانهٔ ملی روسی برای بازی



رسام: یو. واسنیتسوف



بنگاه نشریات پروگرس

مسکو



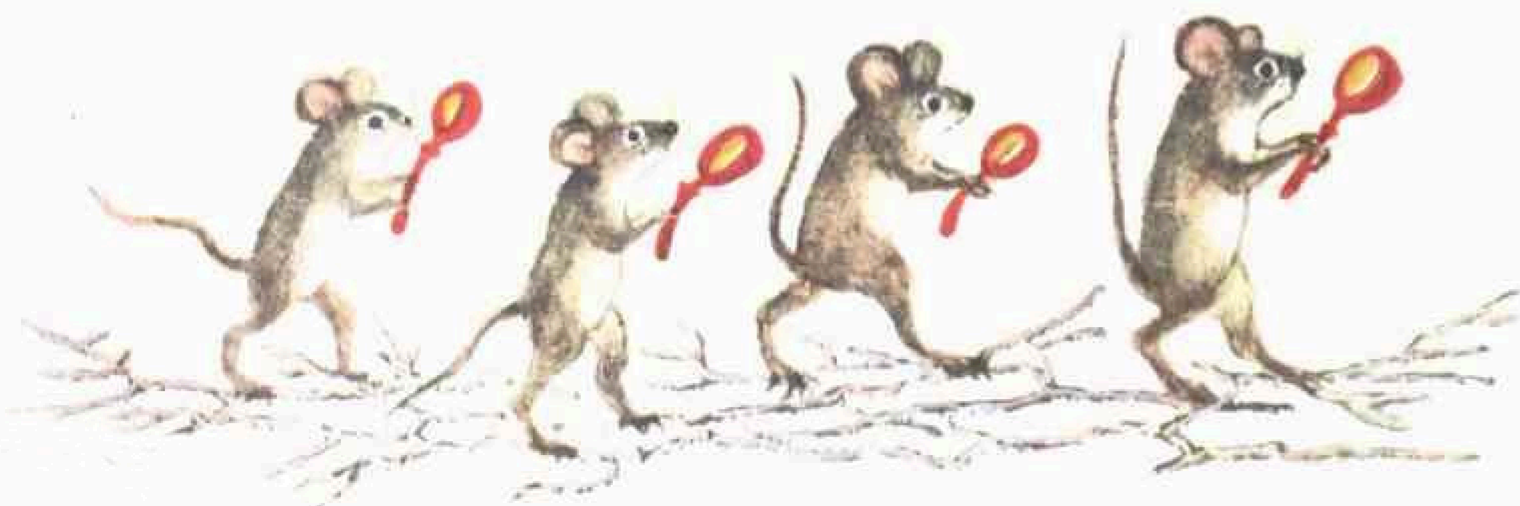
ای بچه‌ها ، ای بچه‌ها ،
گوش کنید قصهٔ ما :
«زاغچهٔ پهلو سفید»
«لی‌لی لی‌لی حوضک» ما :

— زاغچهٔ پهلو سفید
از کجا اینجا پرید ؟
— از آن راههای دور، دور،
از روی تپه، ماهور !





تو باغچه جا خوش کردم ،
بخاری آتش کردم ،
با لوبیا و ماشی
آشی پختم ، چه آشی !





رو درگاهی پریدم ،
تا مهمانهارا دیدم ،
آنها را دعوت کردم ،
که از مهمان شاد گردم .





همه پیشم پریدند ،
درست وقتش رسیدند ،
اینها که اینجا نشستند
مهمانهای من هستند .





به همه شان آش دادم ،
به این و به آن دادم ،
به آن یکی هم دادم ،
به این یکی ندادم !







آن آب برام نیاورد ،
هیزم برایم نشکست ،
تو بخاری چوب نگذاشت ،
هیچ کار نکرد و نشست ...





مهمانها مان آش خوردند ،
بعدش همه پریدند ،
رو سر ما نشستند ،
برایمان قصه گفتند .

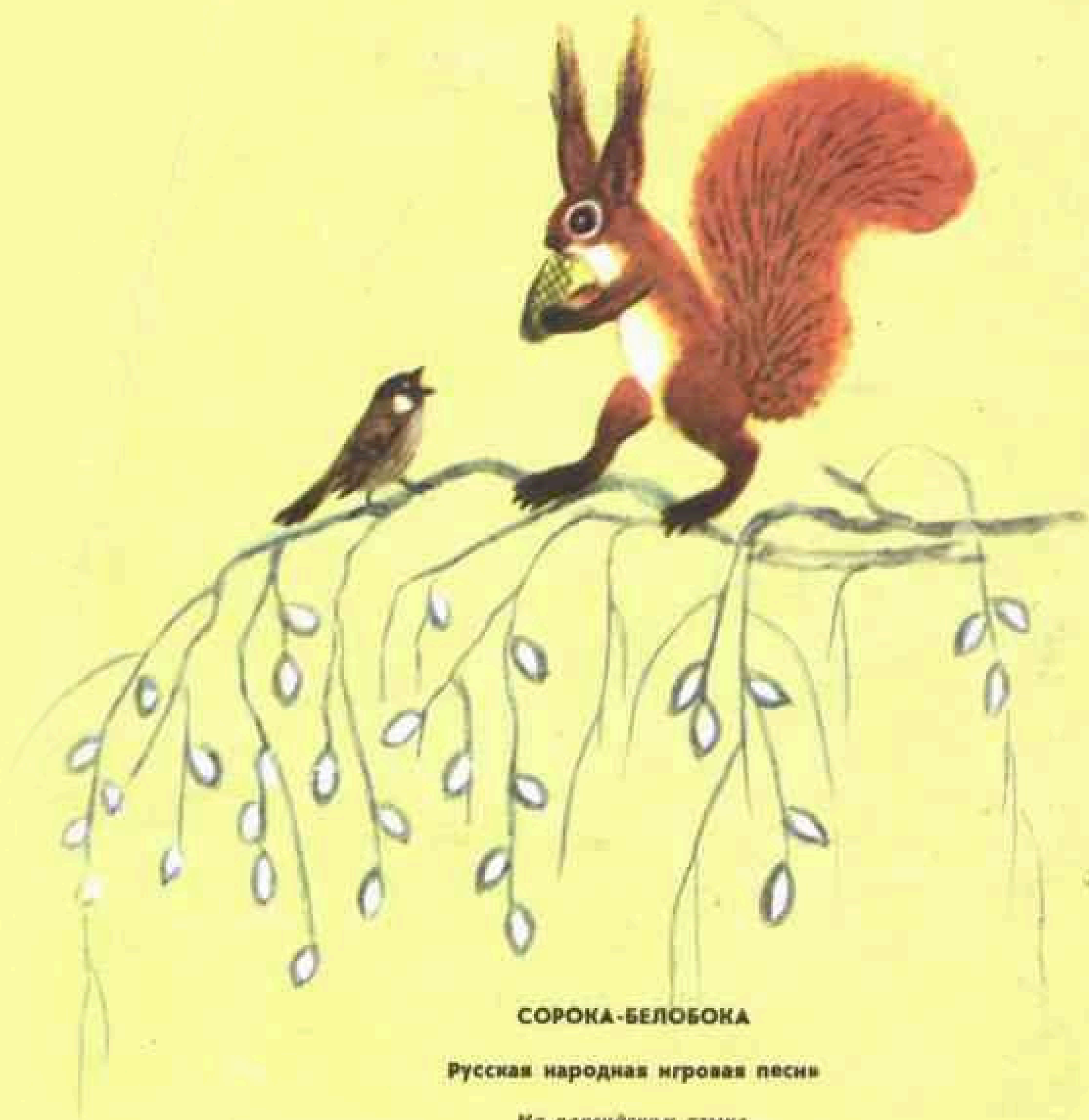












СОРОКА-БЕЛОБОКА

Русская народная игровая песня

На персидском языке